

افزایش ترک تحصیل کودکان معلول به دلیل فقر

گزارش میدانی «اعتماد» از آموزشگاه
استثنایی زمردیان در استان البرز

بسیاری از دانش‌آموزان معلول به
دلیل فقر ناچار به ترک تحصیل
هستند

زهرا سلیمانی| کسانی که مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان را از نزدیک دیده‌اند، میدانند معماری منحصر به فرد و کاشیکاری‌های افسانه‌ای این بنا به گونه‌ای است که با ورود به مسجد انگار پا روی آسمان می‌گذاری و با نگاه به گنبد مسجد، زمین را مشاهده می‌کنی! کف مسجد با کاشیکاری‌های فیروزه‌ای، شمایل آسمان را به خود گرفته و گنبد آن با کاشی‌هایی به رنگ خاک، زمین را تصویرسازی می‌کند. انگار که احوالات روحانی حاکم بر این بنا، آسمان را به زیر پای حاضران آورده و زمین را بر بلندای ذهن آنها قرار داده است. داستان مسجد لطف‌الله، حقیقت بسیاری از مکان‌ها و بناها روی این کره خاکی است؛ بناهایی که در آنها حضور فرشتگان آسمانی، زمین را به آسمان بدل کرده و آسمان را زیر پای آنان قرار داده است. مدارس دانش‌آموزان استثنایی و معلولان یکی از همین قلمروهای آسمانی است که روی زمین بنا شده است. دانش‌آموزانی که هر کدام از آنها لبخندی بر لب داشته و برق چشمانشان توجه هر مراجعه‌کننده‌ای را جلب می‌کند. در کشاکش این همه زیبایی و لبخند و نیکویی اما شنیدن عبارتی از این دست که بسیاری از دانش‌آموزان معلول به دلیل فقر و عدم توانایی پرداخت هزینه‌ها، ناچار به ترک تحصیل میشوند، دردآور است. مسعود زمردیان موسس آموزشگاه کودکان استثنایی در فردیس البرز اما ضمن اشاره به این مشکلات می‌گوید: «کمبود امکانات مالی و دوری مسیر به دلیل عدم توانایی پرداخت هزینه‌های بسیار گزاف سرویس ایاب و ذهاب منجر به ترک تحصیل بعضی از دانش‌آموزان استثنایی میشود، چرا که بسیاری از

این عزیزان از بضاعت مالی کمی برخوردار بوده و در فقر شدید به سر می‌برند.»



برداشت 1: اینجا چراغی روشن است

وارد ساختمان که می‌شوی؛ هرچند پاییز است اما بوی یاس بهاری را در فضا احساس می‌کنی! جلوتر که می‌روی همه جا را سرشار رنگ و شادی و لبخند و موسیقی می‌بینی. دانش‌آموزان این موسسه استثنایی یکی یکی از کنارت رد می‌شوند، هرکدام از این فرشتگان هم با یک سلام بلند بالا تو را به میهمانی‌شان دعوت می‌کنند. دانش‌آموزان معلول موسسه‌ای که از سال 80 خورشیدی با هدف مهارت‌آموزی و آموزش دانش‌آموزان معلول و استثنایی آغاز به کار کرده و تا به امروز بیش از 180 دانش‌آموز را زیر پر و بال گرفته است. مسعود زمردیان موسس این آموزشگاه که دهه نهم زندگی‌اش را پشت سر می‌گذارد، به استقبال ما می‌آید و از رویاهایی که براساس آنها دست به احداث این آموزشگاه زده است، می‌گوید: «ترجیح دادم به جای آنکه پس از مرگم، دیگران برایم کاری کنند یا نکنند، خودم در زمان حیاتم هر آنچه که از دستم بر می‌آید برای این سرزمین و این کشور انجام دهم؛ من شاگردی چهره‌های برجسته‌ای چون بدیع‌الزمان فروزانفر، دکتر سادات ناصری، دکتر مظاهر مصفا، دکتر گرجی و... را کرده‌ام و در حوزه کسب و کار هم خدماتی برای کشورم ایران داشته‌ام. اما به فکرم رسید که آنچه را که قرار است در آینده انجام گیرد را در زمان حیاتم به نفع مردم کشورم انجام دهم. خداوند در قرآن می‌فرماید: «انفقو مما رزقناکم... از آنچه به شما داده‌ایم به دیگران انفاق کنید...» پس از مطالعات زیاد

به این نتیجه رسیدم در حوزه‌های فعالیت کنم که دیگران انجام نداده‌اند. حمایت از بچه‌های استثنایی، حوزه‌ای است که متأسفانه افراد اندکی به آن پرداخته‌اند. بر این اساس، پس از مطالعات زیاد، این ساختمان را که قبلاً کارگاه ساعت‌سازی بود را تعطیل کرده و آن را در سال 80 برای کودکان استثنایی بنا کردم.»

برداشت 2: فرشتگانی که با فقر دست به گریبانند

در زمان گفت‌وگو با زمردیان برخی از بچه‌ها به او مراجعه کرده و در گوش او پچ پچی می‌کنند. چونان پدر بزرگی که نوه‌هایش را نوازش می‌کند، دست مهربانی به سر کودکان معلول می‌کشد و آنها را راهنمایی می‌کند.

هر بار که کودک معلولی به سمتش می‌آید، نونی چشمانش به تپش می‌افتد و برق شادی در صورتش نمایان می‌شود. مشکل بچه‌ها را که حل کرد، دوباره صورتش را به سمت من می‌چرخاند و صحبت‌هایش را ادامه می‌دهد: «در سال‌های ابتدایی، 64 کودک استثنایی داشتیم که تنها در مقطع دبستان فعالیت می‌کردند. در سال‌های بعد، متوجه شدیم که مقطع متوسطه برای این دانش‌آموزان وجود ندارد. از آنجا که در آن زمان امکاناتی نبود و هیچ ارگان و نهاد و بنیاد و حتی وزارت آموزش و پرورش کاری برای ما انجام نمی‌دادند، خودمان آستین بالا زدیم و مقاطع تازه‌ای تا کلاس نهم را راه‌اندازی کردیم و نهایتاً در 3 سال گذشته، ساختمان دبیرستان را هم ساختیم و افتتاح کردیم. امروز بیش از 180 دانش‌آموز معلول بدون پرداخت هیچ‌وجهی در مقاطع مختلف مشغول آموزش هستند. این آموزشگاه تنها مدرسه استثنایی موجود در ناحیه ۲ کرج است اما با توجه به کثرت جمعیت متأسفانه فضای آموزشی به اندازه کافی موجود نیست.» او ادامه می‌دهد: «وضعیت اقتصادی و معیشتی بسیاری از این بچه‌ها و خانواده‌های آنان بفرنج است. براساس اعلام مدیریت مرکز، در سفره بسیاری از این خانواده‌ها و بچه‌هایشان اقلام اساسی مانند مرغ، گوشت، میوه، مواد پروتئینی و... پیدا نمی‌شود. تلاش می‌کنیم تا از طریق قربانی کردن و توزیع اقلام اساسی کمکی اندک به این بچه‌ها و خانواده‌هایشان داشته باشیم. کمبود امکانات مالی و دوری مسیر به دلیل عدم توانایی پرداخت هزینه‌های بسیار گزاف سرویس ایاب و ذهاب منجر به ترک تحصیل بعضی از دانش‌آموزان نیز می‌شود، چراکه بسیاری از این عزیزان از بضاعت مالی کمی برخوردار بوده و در فقر شدید به سر می‌برند که طبق تحقیقات به عمل آمده از ۱۸۰ نفر دانش‌آموز این مرکز تقریباً بیش از ۱۰۰ نفر از آنها از خانواده‌های بسیار بی‌بضاعت و در سطح خیلی پایین زیر خط

فقر هستند. گروهی از این دانش‌آموزان یتیم و بخشی از آنها بدسرپرست یا تک سرپرست تحت پوشش بهزیستی هستند. تعدادی از آنها به دلیل از دست دادن والدین تحت تکفل مادر بزرگ خود هستند.»

برداشت 3: جایزه‌ای برای مریم

واقع آن است که بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از طریق رشد فعالیت‌های مدنی تلاش می‌کنند ظرفیت‌های تازه‌ای را ایجاد کنند. این نوع فعالیت‌ها اما با برخی قوانین در ایران همراه با دشواری‌هایی شده است. وقتی به این موضوعات فکر می‌کنم، رد دست کودکی را روی دستانم احساس می‌کنم، کودکی که خود را مریم معرفی می‌کند، آرام دستم را می‌گیرد و مرا به سمتی می‌کشد. به سمت اتاق بچه‌ها می‌رویم. هدایایی همراه با بادکنک و شکلات برای هر دانش‌آموزی تدارک دیده شده. مریم آرام از من می‌پرسد به نظرتون تو این پاکت‌ها چیه؟ به من هم می‌دن؟ ناخودآگاه شادی تمام وجودم را در بر می‌گیرد. از یکی از معاونان موسسه می‌پرسم: «خانم برای مریم هم جایزه هست؟» خانم معاون نگاهی به من می‌اندازد و نگاهی هم به مریم و با جدیت می‌گوید: «این کادوها را فقط به بچه‌های زرنگ و با ادب می‌دهیم.» بعد از ثانیه‌ای مکث رو به مریم ادامه می‌دهد: «مریم هم یکی از دانش‌آموزان مودب و کوشا و زرنگ آموزشگاه ماست. معلومه که جایزه می‌گیره.» مریم با شنیدن این عبارت، دست مرا رها می‌کند و سریع خود را به دوستانش در حیاط مدرسه می‌رساند تا خبر جایزه بردنش را بدهد. صدای شادی و هورا و خنده فضای آموزشگاه را در بر می‌گیرد.

برداشت 4: دوستانی که صدای بچه‌ها را منعکس می‌کنند

زمردیان در بخش دیگری از صحبت‌هایش با تشکر از رسانه‌ها می‌گوید: « لازم است از رسانه‌های کشور تشکر و قدرانی کنم. مرحوم دعایی مدیر مسوول روزنامه اطلاعات هر ساله يك صفحه در اختیار بچه‌های ما قرار می‌دادند تا صدای این مرکز به گوش مردم برسد و بچه‌ها خوشحال شوند. از آقای حضرتی و سایر همراهان هم تشکر می‌کنم که تلاش می‌کنند صدای این بچه‌ها باشند. خوب است بدانید، بچه‌هایی که وارد این مرکز می‌شوند، در ابتدای ثبت‌نام فاقد هر نوع مهارت و دانشی هستند، اما در این مرکز به آنها آموزش‌های لازم داده می‌شود. بسیاری از دانش‌آموزان این مرکز تحصیلات خود را حتی بعد از دیپلم هم ادامه می‌دهند و به مدارج بالا می‌رسند. آن دسته از دانش‌آموزانی که توانایی تحصیلات عالی را ندارند، خیاطی، مونجوق‌کاری، نقاشی، مهارت‌های خانه‌داری، گل‌سازی، نجاری و... را یاد می‌گیرند تا از طریق

مهارت خود بتوانند در جامعه حضور داشته باشند. هیچ‌کس دست خالی از این مرکز نمی‌رود و به لطف خدا با یادگیری مهارت‌های لازم وارد اجتماع می‌شوند.»

برداشت آخر: پیاده آمدن‌ها و پیاده رفتن‌ها

جشن که به پایان می‌رسد، بچه‌ها مہیای رفتن می‌شوند. من هم کیفم را برمیدارم تا راهی سرنوشتم شوم. در مسیر به همه محرومیت‌ها و مشکلاتی فکر می‌کنم که معلولان با آن دست به گریبان هستند. مشکلات اقتصادی کشور باعث شده تا سرمایه‌گذاری در برخی حوزه‌ها از جمله حوزه معلولان کاهش پیدا کند. به دانش‌آموزان معلولی فکر می‌کنم که به دلیل فقر نتوانسته‌اند آموزش خود را ادامه دهند و امروز در جشن موسسه غایب بودند. احتمالاً امروز چقدر دلتنگ دوستان‌شان و جشن و هدیه‌ها و لبخندها هستند. فرشتگانی که هیولای فقر اجازه نمی‌دهد تا زیستن مقدر خود را تجربه کنند. هنگام خروج از موسسه، پنجره‌های کلاس‌ها که شاهد همیشگی این آینده‌ها و روندها هستند، انگار می‌گویند که: «این زمان هم خواهد گذشت تا بعد چه پیش‌آید...»

رنج تحصیل برای کودکان دارای معلولیت

رحمان دلاوری

کودکان معلول بیش از سایر کودکان از مدرسه و تحصیل محروم می‌شوند. حتی اگر به مدرسه بروند، احتمال ترک تحصیل آنها قبل از پایان تحصیلات ابتدایی بیشتر است. برای کودکانی که از قبل به حاشیه رانده شده‌اند، مانند دختران و کودکانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، معلولیت، مانع دیگری برای دسترسی به آموزش و تحصیل است. بین 93 تا 150 میلیون کودک با معلولیت در سراسر جهان زندگی می‌کنند. سازمان بهداشت جهانی و بانک جهانی تخمین می‌زنند که در برخی کشورها «معلولیت احتمال عدم ثبت‌نام در مدرسه را دوبرابر می‌کند.» تخمین زده می‌شود از هر سه کودکی که ترک تحصیل می‌کنند یا از تحصیل محروم می‌شوند، یک نفر معلولیت داشته باشد. در برخی کشورهای جهان سوم تنها 13 درصد از کودکان معلول فرصت اشتغال به تحصیل را به دست می‌آورند. در کشورهای در حال توسعه بیش از 40 درصد کودکان معلول اصلاً وارد دوره آموزش ابتدایی نمی‌شوند و 55 درصد آنها

نیز از دوره آموزش متوسطه محروم میشوند. یعنی در مجموع تقریباً 30 درصد کودکان معلول در نهایت میتوانند از دوره تحصیلی کامل برخوردار شوند و در نتیجه بسیاری از آنها از کسب مهارت‌های اولیه شغلی محروم میشوند. عدم تحصیل افراد معلول نه تنها بر کیفیت زندگی این افراد و خانواده‌هایشان، بلکه بر اقتصاد کشورها نیز تاثیر منفی می‌گذارد. نتیجه پژوهش‌های سازمان جهانی کار نشان می‌دهد این کشورها بین 5 تا 7 درصد از تولید ناخالص ملی خود را به دلیل خروج افراد معلول از بازار کار از دست می‌دهند. آموزش و تحصیل می‌تواند به افراد معلول کمک کند تا امکان دسترسی بیشتری به شغل، بهداشت و سایر خدمات و همچنین آگاهی بهتری از حقوق خود داشته باشند. در ایران با توجه به اینکه برخی کودکان دارای معلولیت در مدارس عادی نیز میتوانند تحصیل کنند، آمار دقیقی وجود ندارد که نشان دهد چه تعداد از افراد دارای معلولیت اصلاً وارد چرخه تحصیل و آموزش نمیشوند یا هنگام تحصیل به خاطر فقر مالی خانواده یا مشکلات فرهنگی مجبور به ترك تحصیل میشوند.

طبق آمار سازمان‌های بین‌المللی، تعداد کودکان دارای معلولیت در سن تحصیل در ایران حدود يك و نیم میلیون نفر برآورد شده است. براساس آمار دولتی، در طول سال تحصیلی 98-1397 تنها 150 هزار کودک دارای معلولیت در سن تحصیل در مدارس ثبت‌نام شده‌اند و بیش از نیمی دیگر یا در مدارس استثنایی یا جدا از سایر دانش‌آموزان درس می‌خوانند. آن دسته از کودکان دارای معلولیت نیز که در مدارس ثبت‌نام میشوند با مشکلات عدم دسترسی‌پذیری کلاس‌ها و ساختمان مدارس و همچنین کمبود ابزارهای کمکی مثل سمعک یا محتوای دروس در قالب‌های مختلف نظیر فایل صوتی، تصویری یا نسخه بریل روبه‌رو هستند. همین مشکلات باعث میشود بسیاری از کودکان دارای معلولیت امکان تحصیل در مدارس عادی نداشته باشند و گاهی مجبور به ترك تحصیل میشوند.

این سازمان‌های بین‌المللی طرح «سنجش سلامت نوآموزان» در ایران را مانعی در مسیر آموزش کودکان دارای معلولیت میدانند که حق آنها را برای حضور در مدارس عادی و رقابت با افراد همسن و سال خود از بین می‌برد و باعث منزوی شدن آنها میشود.

ایران از سال ۱۳۸۷ به کنوانسیون بین‌المللی حقوق معلولان پیوسته است؛ کنوانسیونی که دسترسی به آموزش فراگیر در نزدیک‌ترین محل به زندگی فرد در کنار سایرین را حق افراد دارای معلولیت میداند و دولت‌های عضو را به رعایت این اصل موظف میکند. ماده هفتم کنوانسیون از دولت‌ها خواسته برای کودکان دارای معلولیت شرایطی برابر با سایر کودکان فراهم کند. ماده ۲۴ نیز حق آموزش برابر افراد دارای معلولیت، فارغ از هر تبعیض و مبتنی بر فرصت‌های برابر

را مورد تاکید قرار داده است. در تبصره‌های بند دوم این ماده از کنوانسیون آمده است: «افراد دارای معلولیت از نظام آموزش همگانی بر مبنای معلولیت مستثنی نمی‌گردند... افراد دارای معلولیت می‌توانند به آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان، با کیفیت و فراگیر بر مبنای برابر با سایر افراد جامعه خود، دسترسی داشته باشند.»

دولت در سال‌های اخیر جهت بهبود دسترسی کودکان دارای معلولیت به آموزش اقداماتی انجام داده است؛ از جمله، افزایش بودجه آموزش و پرورش کودکان استثنایی و استانداردسازی در ساختمان مدارس نوساز یا در حال بازسازی. دولت همچنین امکان تامین نسخه بریل یا صوتی برای دروس را گسترش داده و از کودکان دارای معلولیت حمایت کرده، اما به دلیل نبود رویکردی جامع برای تضمین آموزش فراگیر در کل نظام آموزش و پرورش، اقدامات انجام شده کافی نیستند.

طبق برآوردها و نظر کارشناسان، معلولین ساکن روستاها و مناطق محروم و شهرهای کوچک در مقایسه با شهرهای بزرگ، بیشتر دچار محرومیت از تحصیل می‌شوند که مهم‌ترین دلیل آن، مشکلات مالی خانواده، دوری مسافت از شهر و امکانات آموزشی، مشکل در حمل و نقل و جابه‌جایی معلول به مدرسه، عدم مناسب‌سازی ساختمان و کمبود امکانات و تجهیزات کمکی مدرسه، برخورد نامناسب با افراد معلول در مدارس عمومی و ... است.

شناسایی و حمایت مادی و معنوی از کودکان و نوجوانان دارای معلولیت در سراسر کشور که به دلایل مختلف از امکان تحصیل و آموزش محروم شده‌اند، بسیار اهمیت دارد. سازمان بهزیستی با همکاری وزارت آموزش و پرورش باید از طریق ایجاد امکان تحصیل و شناسایی و رشد و شکوفایی استعداد و توانمندی‌های ذاتی افراد دارای معلولیت و زمینه‌سازی برای کسب شغل مناسب و مبتنی بر توانایی‌های ذهنی و فکری در سنین بالاتر به توانمندسازی آنها کمک کنند. با عنایت به تصورات و ذهنیت‌های غلطی که از گذشته تاکنون در جامعه مرسوم بوده و به افراد دارای معلولیت به عنوان افراد ناتوان و مستحق کمک و ترحم نگریسته شده باید تلاش کرد تا با خط بطلان کشیدن بر این نگرش اشتباه با بسیج امکانات مادی و معنوی خیرین، مدیران مدارس، معلمان و افراد داوطلب و جلب همراهی و حمایت دستگاه‌های مسوول نظیر بهزیستی و آموزش و پرورش زمینه لازم برای اشتغال به تحصیل کودکان و نوجوانان دارای معلولیت در نقاط مختلف کشور به ویژه در مناطق روستایی و محروم کشور فراهم آید.

فعال اجتماعی حقوق افراد دارای معلولیت